

مطالعه تطبیقی نوزادکشی در پرتو رویکردی جرم‌شناختی - حقوقی

مهرداد رایجیان اصلی^{۱*}، مژگان عزیزی^۲

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۳۰

دریافت: ۱۳۹۲/۷/۸

چکیده

نوزادکشی از گذشته به شکل‌های گوناگون دامن‌گیر جوامع بشری بوده است. این پدیده امروزه نیز به شکل‌هایی چون خفه‌کردن عمدی، غرق‌کردن و محروم‌کردن نوزاد از آب و غذا اتفاق می‌افتد. نوزادکشی اغلب در خانه و توسط آشنایان رخ می‌دهد. میان نوزادکشی و مرگ ناگهانی نوزاد مرز ظریفی وجود دارد که تشخیص آن‌ها را دشوار می‌سازد. این دو در موارد بسیاری هم‌پوشی پیدا می‌کنند و می‌توان با رادیوگرافی و کالبدشکافی تا اندازه‌ای به آن پی برد. نوزادکشی علت‌های متفاوتی دارد: از شک شوهر به تعلق نوزاد به وی، تا دل‌سوزی نسبت به نوزاد. برخی از کشورها (مانند انگلستان) قانون خاصی برای نوزادکشی دارند. قانون نوزادکشی انگلستان شامل مادران و نوزادان زیر ۱۲ ماه می‌شود؛ اما در کشورهایی مانند فرانسه و ایران، حکم نوزادکشی را اصولاً باید در قتل عمدی جستجو کرد. برای نمونه، امروز، در حقوق فرانسه برای عاملان این قتل‌ها حبس ابد در نظر می‌گیرند. در حقوق ایران نیز مقررات ویژه‌ای برای نوزادکشی پیش‌بینی نشده و بدین ترتیب، حکم قتل نوزادان را باید تابع حکم کلی قتل عمدی و مستوجب قصاص نفس دانست. این مقاله، افزون بر مسائل بالا، وضعیت نوزادکشی را در کشورهای مختلفی که مطالعاتی درباره این پدیده در آن‌ها انجام شده، بررسی



کرده، ضرورت جرم‌انگاری نوزادکشی در ایران همانند بعضی از کشورها را در قالب پیش‌بینی مقررات ویژه‌ای برای حمایت کیفری از این بزه‌دیگان خاص آسیب‌پذیر نتیجه‌گیری می‌کند.

واژگان کلیدی: نوزاد، کودک، نوزادکشی، قتل نوزاد یک‌روزه، سندروم مرگ ناگهانی نوزاد

۱. درآمد

نوزاد در زبان فارسی به معنای نوپیدا، کودک تازه‌متولد [۱، ص ۳۷۸۱] و یا به معنای فرزند انسان تا چند هفته پس از تولد [۲، ص ۸۰۲۶] به کار رفته است. در فرهنگ حقوقی بلک، این واژه به بچه [کودک] نوزاد^۱ و نیز صغیر^۲ تعریف شده است [۳، ص ۸۴۷]. در نوشته‌های علوم جنایی، به‌ویژه در حقوق جنایی و جرم‌شناسی، نوزاد^۳ به کودک زیر ۱۲ ماه گفته می‌شود [۴، ص ۵۴].^۴

بنابراین، نوزادکشی^۵ اصطلاحی است در حقوق و علوم جنایی برای کشتن که در نخستین سال زندگی‌شان بوده‌اند. کشتن نوزاد توسط پدرمادر، «پسرکشی»^۶ خوانده می‌شده است؛ ولی امروز به طور کلی به جای آن از واژه «نوزادکشی» استفاده می‌کند [۴، ص ۵۵]. اما در فرهنگ حقوقی بلک، اصطلاح انگلیسی آن در سه معنا به کار رفته است: (۱) عمل کشتن یک نوزاد، به‌ویژه توسط پدرمادر یا با رضایت آنان؛ (۲) رویه

1. newborn baby

2. minor

3. infant

۴. واژه دیگری که با واژه نوزاد ارتباط دارد و حتی در تعریف آن نیز به کار رفته، «کودک» است که در لغت فارسی به معنای طفل نابالغ، کوچک و بچه آمده است. در فرهنگ نفیسی، کودک به معنای خردسال به کار رفته و خردسال به معنای کودک تا سن ۴ سالگی تعریف شده است [۱، ص ۲۸۵۷]؛ ولی همچنان‌که می‌دانیم، با توجه به ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، که ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به آن ملحق شده است، کودک هر فرد انسانی زیر ۱۸ سال است که به حمایت‌های قانونی نیاز دارد و دولت‌ها باید ترتیبی اتخاذ کنند تا هرگونه خشونت علیه کودکان محدود شود و همچنین موظفند با آن مبارزه کنند.

5. infanticide

6. filicide

کشتن نوزادان؛ و ۳) کسی که نوزادی را می‌کشد [۳، ص ۸۴۷].^۱ از این میان، در این مقاله، نوزادکشی در اصل برای قتل کودکانی که در نخستین سال زندگی خود هستند، به کار می‌رود.^۲

از نظر تاریخی، هم‌چنان‌که در پیشینه خواهیم دید، نوزادکشی پدیده‌ای است که از گذشته در جوامع بشری متداول است. نوزادکشی در دنیای متمدن امروز به شکل‌ها و شیوه‌های متفاوتی انجام می‌شود؛ از جمله محروم کردن کودک از شیر خوردن یا خفه کردن نوزاد.

از نظر تحلیل حقوقی، مسأله نوزادکشی که ممکن است با سقط جنین نیز هم‌پوشی پیدا کند، زیر عنوان «انسان زنده» به منزله یکی از شرایط قتل عمدی به بحث گذاشته می‌شود [۶، ص ۶۰]. این بحث دیدگاه‌های مختلفی را میان حقوقدانان ایجاد کرده که به بخشی از آن‌ها در این مقاله اشاره خواهد شد. امروزه، مشکل اصلی درخصوص این پدیده، که با جنبه دیگر مطالعه آن — یعنی علت شناسی جرم‌شناختی پیوند می‌خورد — تشخیص نوزادکشی از خفگی غیرعمدی نوزاد است. پرسش مطرح این است که آیا اگر نوزادی به شکل مشکوک بمیرد، مرگ او را باید خفگی عمدی تلقی کرد یا عواملی چون

۱. دو اصطلاح دیگر که با واژه نوزادکشی هم‌پوشی پیدا می‌کنند، «مرگ نوزاد یک‌روزه» [neonaticide] و «سندروم مرگ ناگهانی نوزاد» [sudden infant death syndrome] است. در قوانین کشورهایی مانند انگلستان یا دیگر کشورها هیچ تعریفی از اصطلاح نخست به چشم نمی‌خورد؛ اما در نشریه‌های پزشکی به‌طور معمول به قتل یک نوزاد در طول ۲۴ ساعت نخستین زندگی‌اش اشاره دارد [۴، ص ۵۶]. در فرهنگ حقوقی بلک، اصطلاح انگلیسی آن هم‌معنا با واژه نوزادکشی (infanticide) دانسته شده است [۳، ص ۸۴۷]. سندروم مرگ ناگهانی نوزاد اصطلاحی است که برای توصیف مرگ نامنتظره نوزادان به‌ظاهر سالم استفاده می‌شود که در جریان آن، نوزاد بی‌هیچ دلیلی می‌میرد بی‌آن‌که نشانه‌ای دال بر عمدی بودن مرگ نوزاد یافت شود. این پدیده امروزه شایع‌ترین نوع مرگ نوزادان است که با نام اختصاری SIDS به کار می‌رود. گفته شده که سندروم مرگ ناگهانی نوزاد را می‌توان همان مرگ طبیعی تلقی کرد [۵، ص ۲۳].

۲. گفتنی است که در نوشتگان حقوقی ایران، اصطلاح انگلیسی infanticide را «بچه‌کشی» نیز ترجمه کرده‌اند که به نظر می‌رسد برابرنهاده «نوزادکشی» با توجه به معنای لغوی این اصطلاح و نیز تعریف علمی آن، مناسب‌تر باشد. برای دیدن منبع‌هایی که معادل بچه‌کشی در آن به کار رفته است، برای نمونه، بنگرید به: [۶، ص ۸۳؛ ۷، ص ۴۷ و ۶۶].



بیماری یا نامطلوب بودن جایگاه خواب او را عامل مرگش دانست؟ بدیهی ست که عمدی بودن یا غیر عمدی بودن نوزادکشی تأثیر مستقیمی بر نوع جرم‌انگاری آن دارد؛ زیرا عمدی بودن جرم به‌طور معمول مرتکب را در معرض مجازات سنگین‌تری قرار می‌دهد؛ ولی اگر نوزادکشی معلول عواملی شناخته شود که نوع قتل را از عمدی به غیر عمدی تغییر می‌دهند، مرتکبان آن می‌توانند با توسل به توجیه‌ها یا دفاع‌هایی، به مجازات سبک‌تری محکوم شده یا از کیفر معاف بمانند. بدین‌سان، علت‌شناسی دقیق نوزادکشی علاوه بر تأثیری که می‌تواند بر پیشگیری از بزه‌دیدگی آن داشته باشد، در شناخت مبنای جرم‌انگاری و کیفرگذاری متناسب آن نیز می‌تواند مؤثر باشد. بدین‌منظور، این مقاله ضمن گذری تاریخی به پیشینه این پدیده، می‌کوشد تا از نظرگاهی جرم‌شناسانه با علت‌شناسی آن، نحوه پیشگیری از این پدیده را بررسی کند و از این رهگذر با گریزی به وضعیت برخی از کشورهای که این پدیده در آن‌ها رخ می‌دهد، جایگاه حقوقی آن را به‌ویژه در راستای پیشگیری از گذر جرم‌انگاری و کیفرگذاری نوزادکشی تبیین کند.

۲. پیشینه نوزادکشی

نوزادکشی بیش و کم در همه جوامع بشری وجود داشته است. برای نمونه، تبعیض جنسیتی در عربستان پیش از بعثت پیامبر اسلام (ص) بسیار رواج داشت. به‌طور کلی، در آن زمان، زنان به عنوان یک موجود نامطلوب در خانواده انگاشته می‌شدند. سنتی قدیمی وجود داشته که براساس آن، دفن نوزاد دختر یک عمل سخاوتمندانه تلقی می‌شد [۸، ص ۵۹]. دانشوران اسلامی گفته اند شروع این عمل زشت در جاهلیت از آن‌جا بود که جنگی میان دو گروه اتفاق افتاد. گروه فاتح دختران و زنان گروه مغلوب را اسیر کرد. پس از مدتی که صلح برقرار شد، خواستند اسیران جنگی را به قبیله خود بازگردانند؛ اما بعضی از دختران اسیر با مردانی از گروه غالب ازدواج کرده بودند. آن‌ها ترجیح دادند میان دشمن بمانند و هرگز به قبیله خود بازنگردند. این امر بر پدران

آن‌ها سخت گران آمد و مایه سرزنش گردید تا آن‌جا که بعضی سوگند یاد کردند هرگاه در آینده دختری نصیبشان شود او را با دست خود نابود کنند تا به دست دشمن نیفتد [۹، ص ۲۱۱].

مفسران گفته‌اند در جاهلیت عرب هنگامی که وقت وضع حمل زن فرا می‌رسید، حفره‌ای می‌کنند و بالای آن می‌نشستند، اگر نوزاد دختر بود، او را در حفره می‌انداختند و اگر پسر بود، نگه می‌داشتند [۱۰، ص ۱۷۷]. پس از بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن، این رسم دوران جاهلیت در کتاب آسمانی مسلمانان تقبیح شد که از جمله می‌توان به آیه‌های ۱۴۰ و ۱۵۱ سوره انعام و آیه‌های ۸ و ۹ سوره تکویر اشاره کرد. در آیه‌های اخیر از سوره تکویر خداوند می‌فرماید: « و آنگاه که از دختر زنده به گور پرسیده می‌شود، به کدامین گناه کشته شده است».

در آیه‌های ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳ سوره انعام خداوند به ترتیب به ده مورد از حرام‌های واقعی الهی اشاره کرده، می‌فرماید به آنان بگو بیایید تا آنچه را خدا بر شما تحریم کرده است، بخوانم و برشمرم:

۱. هیچ چیز را شریک و همتای خدا قرار ندهید.

۲. نسبت به پدر و مادر نیکی کنید.

۳. فرزندان خود را به خاطر تنگدستی و فقر نکشید.

و در مرتبه ۴ و ۵ به ترتیب به فحشا نکردن و دست به خون دیگری نیالودن اشاره شده است [۱۰، ص ۲۹].

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نکشتن فرزندان در قرآن کریم بسیار با اهمیت‌تر از فحشا نکردن و حتی مهم‌تر از کشتن بزرگسالان شمرده شده است. بنابراین، تقبیح زنده به گور کردن نوزادان دختر به مثابه یک عمل شنیع در قرآن کریم و توسط پیامبر اسلام (ص)، از رواج این عمل در میان اعراب حکایت دارد.

از نظر تاریخی، دو عامل مهم برای نوزادکشی برشمرده اند: یکی فقر و دیگری کنترل جمعیت. یکی از راه‌های نوزادکشی گرسنگی دادن نوزاد بوده است. در گذشته،



به دلیل وجود فرهنگ پدرسالارانه، نوزادکشی اتفاق می‌افتاده است. داروین بر این باور بود که نوزادکشی - بخصوص کشتن نوزادان دختر - مهم‌ترین عامل محدودیت در گسترش انسان‌های نخستین بوده است [۸، ص ۶۹].

این عمل امروزه در میان برخی از قبیله‌های اسکیمو در کانادا، در ایالت‌های تامیل‌نادو^۱، راجستان^۲ و بیهار^۳ هند و در چین انجام می‌شود [۴، ص ۵۷]. در هندوستان با تصویب قانون نوزادکشی ۱۸۷۰، کشتن نوزاد - به‌طور معمول دختر - توسط مادر جرم انگاشته شد [۱۱، ص ۷۵].

افزون بر پیشینه نوزادکشی در جوامع مختلف، یکی از جنبه‌های مهم این پدیده که مطالعات و پژوهش‌های گوناگونی درباره آن انجام شده است، نظر جرم‌شناسانه در این زمینه است که بحث‌های متنوعی را به‌ویژه در علت‌شناسی پدیده، ویژگی‌های مرتکبان و بزهدیدگان آن، و مسأله پیشگیری از نوزادکشی به میان می‌آورد.

۳. رویکرد علت‌شناسانه به نوزادکشی و کشتن نوزادان یک

روزه

مطالعات علت‌شناسانه‌ای را که درباره نوزادکشی انجام شده، از چند محور، از جمله ویژگی‌های مرتکبان و بزهدیدگان این پدیده و نیز تمایز آن از پدیده کشتن نوزادان یک‌روزه می‌توان بررسی کرد.

۳-۱. علت‌شناسی در پرتو مطالعات تجربی

به طور کلی، مطالعات علمی به سه عامل اصلی برای نوزادکشی دختران اشاره دارند: (۱) جنسیت، (۲) شرایط اقتصادی، و (۳) ناهنجاری‌های مادرزادی. از دیگر علت‌های

1. Tamil Nadu
2. Rajasthan
3. Bihar

نوزادکشی می‌توان به از بین بردن درد و رنج خیالی یا انتقام از همسر به دلیل کودک ناخواسته اشاره کرد [۱۲، ص ۱۲۱]. کمپل^۱ بر این باور است که یکی از علت‌های نوزادکشی، خشونت‌های دوران بارداری است. به باور او، خشونت در دوران بارداری چهار علت دارد: ۱) خشونت نسبت به وجود جنین، ۲) خشونت به دلیل حسودی نسبت به تولد نوزاد در آینده، ۳) خشونتی که هیچ ارتباطی با جنین ندارد و تنها علیه مادر است، ۴) خشونت همانند پیش از بارداری ادامه می‌یابد. به طور کلی می‌توان این موارد را به دو دسته تقسیم کرد: ۱) خشونت نسبت به مادر که ۷۷ درصد از موارد را شامل می‌شود، و ۲) خشونت نسبت به جنین که ۲۳ درصد از موارد را تشکیل می‌دهد. هنگامی که مردی شک کند که نوزاد متعلق به او است، خشونت از خود بروز می‌دهد و بیش‌تر این خشونت‌ها به شکل حمله و آزار به جنین است که در آن، شکم زن آماج حمله و ضرب و شتم قرار می‌گیرد و اگر در هنگام بارداری موجب فوت جنین نشود، هنگام تولد به قتل نوزاد می‌انجامد [۱۳، ص ۴۵۴].

بدیهی است که نتایج این مطالعات و پژوهش‌ها را نمی‌توان درباره همه جوامع تسری داد و علت‌شناسی دقیق نوزادکشی به‌ویژه از نظرگاه تجربی، نیازمند انجام مطالعات و پژوهش‌های مستقل در هر جامعه معین است که بدیهی است چنین مطالعاتی در همه جوامع به یک اندازه و مقیاس انجام نشده است.

۳-۲. علت‌شناسی در پرتو ویژگی‌های مرتکبان نوزادکشی

به‌طور کلی، مرتکبان نوزادکشی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. درون‌خانوادگی^۲: شامل اعضای خانواده، ناپدری، نامادری یا فردی که نقش پدرمادر را برعهده گرفته است.

۲. برون - خانوادگی^۳: که سه دسته را شامل می‌شود: الف) اقوام و خویشان؛ ب)

1. Campell
2. intra familial
3. extra familial

آشنایان مانند همسایه‌ها؛ و ج) غریبه‌ها که هیچ آشنایی با کودک ندارند. شاید بزرگ‌ترین برداشت نادرست عمومی این باشد که تصور شود نوزادان بیش‌تر از سوی افراد خارج از خانواده در معرض خطرند؛ مانند قتل‌هایی که در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ در آمریکا انجام شد. با وجود این، تحقیقات نشان می‌دهد اکثر قاتلان نوزادان خارج از خانواده نیستند، بلکه ۸۰ تا ۹۰ درصد از قتل‌ها توسط اعضای خانواده اتفاق می‌افتد و بیش‌تر این افراد هم زنانند. این موضوع توسط زیگلر^۱ و میچل^۲ در سال ۲۰۰۳ ثابت شده است. تحقیقات این دو در آمریکا همچنین نشان می‌دهد که نوع و الگوی حمله و تعرض درون خانواده با بیرون از خانواده متفاوت است [۱۴، ص ۲۱۹] که در زیر به نوع و الگوی هریک از این دسته‌ها اشاره می‌شود:

۳-۲-۱. درون- خانوادگی: افراد درون خانواده می‌کوشند که کودکان را هنگامی که بسیار کوچک هستند، به قتل برسانند (این موارد، بیش‌تر تا چهار ماهگی اتفاق می‌افتد). نوزادکشی علاوه بر مراقبان، توسط کودکان و نوجوانانی هم که با نوزاد در ارتباطند، اتفاق می‌افتد. در واقع، میزان بالایی از نوزادکشی‌ها توسط خواهر و برادر و کودکان دیگر اتفاق می‌افتد. مطالعه پیچارد^۳ و بگلی^۴ در انگلستان نشان می‌دهد که اکثر مرتکبان درون‌خانوادگی، پدر- مادرانند که از این میان، مادران بیش‌ترین تعداد را تشکیل می‌دهند و بیش‌تر این مادران از نظر ذهنی بیمار هستند. مادرانی که دارای اسکیزوفرنی شدید یا مبتلا به افسردگی‌اند، بیش‌تر احتمال دارد که فرزندان خود را بکشند. مطابق این مطالعات، پدرانی که مرتکب نوزادکشی می‌شوند، به‌طور معمول پس از ارتکاب جرم، خودکشی می‌کنند. مطالعه دیگری در بریتانیا نشان می‌دهد که پدرمادران به‌طور معمول جوانند و مادرانی هستند که ازدواج نکرده و از راه غیر عرفی باردار شده‌اند و اغلب دارای تحصیلات کم هستند [۱۴، ص ۲۲۱]. نزدیک به ۶۰ درصد از مرتکبان به‌طور

1. Ziegler
2. Mitchell
3. Pichard
4. Bagley

معمول کم‌تر از ۲۵ سال دارند. از علت‌های دیگری که می‌تواند خطری برای جان نوزادان باشد، عبارت است از افسردگی پدرمادر، مشکلات مالی خانواده و این که نوزاد (به‌طور معمول، دختر) با مردان بزرگسال در یک خانه ساکن باشد. مورد آخر به این دلیل جزء عوامل خطر به حساب می‌آید که ممکن است مردانی که با کودک زندگی می‌کنند به نوزاد تجاوز کنند و برای مخفی نگه داشتن عمل خود، نوزاد را به قتل برسانند. زنان برای نوزادکشی به طور معمول از شیوه‌هایی مانند مواد مخدر، دارو، غرق کردن، وسایل نوک تیز و محروم کردن نوزاد از آب و غذا استفاده می‌کنند [ص ۲۱۳].

۲-۲-۳. برون- خانوادگی: مطابق مطالعات انجام‌شده در آمریکای شمالی [ص ۱۵، ص ۲۱۴]، افراد برون‌خانواده سعی می‌کنند کودکان را هنگامی که در سنین بالاتری هستند (به‌طور معمول میان ۵ تا ۱۴ سالگی) به قتل برسانند. ۹۰ درصد مرتکبانی که در گروه برون‌خانواده جای می‌گیرند، پیش از قتل با بزهدیدگان خود ارتباط برقرار می‌کنند، در صورتی که هیچ رابطه فامیلی با یکدیگر ندارند. بزهدکاران برون‌خانواده به‌طور معمول مرد هستند و طبق آمارها ۸۰ درصد آن‌ها دارای سابقه جرم خشونت‌بار بوده و ۲۰ درصد سابقه جرم جنسی داشته‌اند.

بدین ترتیب، نخستین دسته مرتکبان نوزادکشی را اعضای خانواده نوزاد تشکیل می‌دهد و پس از آنان، اقوام و خویشاوندان نوزاد قرار می‌گیرند و دسته آخر که بسیار نادر است، شامل غریبه‌ها می‌شود. طبق آمارها، در نوزادکشی تنها دو درصد از مرتکبان ناشناخته‌اند؛ در صورتی که در قتل‌هایی که در دیگر رده‌های سنی اتفاق می‌افتد، نزدیک به ۴۰ درصد از مرتکبان ناشناخته‌اند [ص ۱۵، ص ۲۱۵].

۳-۳. علت‌شناسی نوزادکشی با توجه به بزهدیدگان آن

پژوهش‌هایی که در گذشته انجام شده، نشان می‌دهد که پسران بیش از دختران، بزهدیده این جرمند. البته این یافته‌ها با سابقه تاریخی این پدیده تفاوت دارد، زیرا در



گذشته، دختران بیش‌تر بزه‌دیده بودند؛ چون گذشتگان بر این باور بودند که دختران هزینه‌زا و پسران درآمدزا هستند. اما یافته‌های جدید در انگلستان حاکی از آن است که پسران، بیش‌تر قربانی نوزادکشی می‌شوند تا دختران. ممکن است این تعصب جنسیتی به دلیل افزایش آسیب‌پذیری جسمی پسران باشد یا ممکن است به این دلیل باشد که فکر می‌کنند پسران قوی‌تر و در نتیجه تهاجمی‌تر، فعال‌تر و جسورتر و پُرسر و صداتر هستند و احتمال بیش‌تری دارد که کنش‌های گستاخانه‌تری از خود نشان دهند [۴، ص ۵۹].

در بیش‌تر موارد دیده شده که بزه‌دیده نوزادکشی، پیش از مرگ، به طور معمول، متحمل آزار جسمی شده است. پژوهش‌هایی که در آمریکا انجام شده [۱۵، ص ۲۱۴] نشان می‌دهد که رایج‌ترین مکان برای قتل نوزادان خانه است، زیرا مرتکب و بزه‌دیده تنها در خانه حضور دارند. این پژوهش‌ها ثابت کرده است که بیش از ۸۱ درصد از نوزادکشی‌ها در خانه اتفاق می‌افتد. متداول‌ترین علت مرگ نوزادان، خفگی (۴۱٪ از موارد) و غرق شدن (۲۷٪ از موارد) است.

۴. پیشگیری از طریق روش‌های کاهش نوزادکشی و کشتن نوزادان یک‌روزه

به طور کلی، برای کاهش نوزادکشی چند پیشنهاد مطرح شده است: در بریتانیا، رسنیک^۱ برای کاهش قتل نوزادان یک‌روزه پیشنهاد می‌کند که سقط جنین آزاد شود تا میزان قتل نوزادان یک‌روزه کاهش یابد. اما بیش‌تر مطالعات از چنین راهبردی حمایت نمی‌کنند و به‌جای آن پیشنهاد شده که درباره تأثیر بارداری بر وضعیت روانی فرد تحقیق شود [۴، ص ۵۸]. پیشنهاد دیگر، باز هم در بریتانیا، این است که موارد در معرض خطر شناسایی

1. Resnick

شوند. نخستین نشانه و راه شناسایی عوامل در معرض خطر عبارت است از افسردگی و روان‌پریشی پس از زایمان و نیز نشانه‌های بالینی سوء مصرف مواد مخدر. برای نمونه، از این واقعیت که بدانیم ۴۰ درصد از زنان که در بارداری قبلی خود، پس از زایمان، افسردگی داشته‌اند، می‌توان انتظار داشت که در زایمان بعدی هم افسردگی خواهند داشت. زنانی که دارای روان‌پریشی پس از زایمانند، بیش و کم پس از هر مرتبه بارداری نشانه‌های پیشگفته را از خود بروز می‌دهند [۴، ص ۵۹].

پژوهشگران دیگری در آن کشور پیشنهاد کرده‌اند که یک آموزش حرفه‌ای راجع به بهداشت و درمان به آن‌ها داده شود تا بتوانند با خشونت‌های خانگی مقابله کنند، زیرا ثابت شده که میان خشونت و نوزادکشی رابطه مثبت برقرار است [۴، ص ۶۰]. برای نمونه، ادلسون^۱ اذعان می‌کند که ۳۰ درصد از خانواده‌هایی که مرتکب نوزادکشی شده‌اند، پیش از آن با کودکان خود بدرفتاری کرده‌اند و ۶۰ درصد خشونت خانوادگی داشته‌اند. آمارهای کانادا نیز نشان می‌دهد که از هر صد هزار تن ۲۰۶ کودک میزان قابل توجهی از خشونت خانوادگی را تجربه کرده‌اند. خشونت خانگی اگر افراطی شود، موجب بروز قتل می‌شود. در ایالت‌های آمریکا ۱۸۰۰ تن به دنبال خشونت خانگی مرده‌اند. این میزان در کانادا ۱۳۲۲ تن بوده است [۱۶، ص ۷۱]. برخی از محققان تخمین می‌زنند که نزدیک به ۳۳۰۰ کودک هر ساله در نتیجه خشونت خانگی می‌میرند. کمیته نقد و بررسی مرگ در نتیجه خشونت خانگی در انتاریو اذعان داشته که ۲۷ درصد از ۷۷ مورد قتل خانگی در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ دارای سابقه خشونت یا تهدید علیه کودکان بوده است. بنابراین در صورتی که مقاومت پدرمادر در برابر خشونت‌ها افزایش یابد، احتمال نوزادکشی کم‌تر از گذشته می‌شود [۱۶، ص ۷۲].

۵. رویکرد حقوق تطبیقی به نوزادکشی

افزون بر مطالعاتی که از دریچه جرم‌شناسی درباره نوزادکشی انجام شده است و به

1. Edleson



بخشی از آن‌ها در این مقاله پرداخته شد، در ادامه رویکرد حقوق تطبیقی به نوزادکشی در دو نظام حقوقی انگلستان و فرانسه که شناخت بیش‌تری از آن‌ها در حقوق ایران وجود دارد، بررسی می‌شود و سپس جایگاه این پدیده در نظام حقوقی ما مورد بحث قرار می‌گیرد.

۵-۱. رویکرد حقوق انگلستان به نوزادکشی

تا پیش از سال ۱۶۲۳ مقرراتی درباره نوزادکشی در انگلستان وجود نداشت و به آن در کلیساها رسیدگی می‌شد. بدین منظور، دادگاه‌های کلیسایی محلی برای رسیدگی به نوزادکشی معمول بود. در آن زمان، کیفر نوزادکشی خفیف‌تر از کیفر قتل و حتی خفیف‌تر از کیفر قتل ساده یک فرد بزرگسال بود. علاوه بر این، گاهی صرف توبه و طلب بخشش یا یک کیفر بسیار خفیف، پاسخی کافی و مناسب برای این جرم تلقی می‌شد. برای نمونه، در سال ۱۴۷۰ میلادی، فردی که متهم به قتل پسرش شده بود، ملزم شد که سه یکشنبه پیاپی - با شمعی در دست راست و چاقویی که پسرش را با آن کشته یا چاقویی مشابه با آن در دست چپ - به کلیسا برود. در سال ۱۲۲۴ میلادی قانونی با عنوان «ترس از تکفیر کلیسا» تصویب شد که به موجب آن، برای کم‌شدن احتمال مرگ نوزادان، زنان باید از خواباندن نوزادشان کنار خود به‌گونه‌ای که احتمال مرگ نوزاد به دلیل خفگی ناشی از غلتیدن می‌رفت، خودداری می‌کردند [۱۷، ص ۴۵۴].

اما از سده بیستم، مقررات جرم‌های علیه اشخاص از هنگام خروج کامل نوزاد از بدن مادر و یافتن وجود مستقلی از او، درباره نوزاد جاری دانسته شده است. البته پیش از این مرحله، قانون نابودسازی بچه ۱۹۲۹^۱ جرم خاصی را پیش‌بینی می‌کند که قتل محسوب نمی‌شود [۶، ص ۶۰] با وجود این، با تصویب قانون نوزادکشی ۱۹۳۸^۲ این پدیده در حقوق انگلستان جرم‌انگاری شد. نوزادکشی در این کشور یکی از گونه‌های

1. Child Destruction Act 1929
2. Infanticide Act 1938

چهارگانه قتل محسوب می‌شود.^۱ به موجب ماده ۱ (۱) این قانون: «هرگاه زنی به وسیله فعل یا ترک فعل ارادی موجب مرگ کودک کم‌تر از دوازده ماهه خود شود، در حالی که در زمان فعل یا ترک فعل، تعادل ذهنی او به دلیل این که به طور کامل از پیامد زایمان رها نشده و یا به دلیل تأثیر جا گرفتن شیر در پستان پس از تولد بچه، [تعادل ذهنی او] مختل بوده است، در این صورت به رغم این که جرم ارتكابی می‌تواند قتل عمد تلقی شود، فقط در قبال جرم نوزادکشی مقصر شناخته خواهد شد» [۱۸، ص ۸۳].

به طور کلی، با توجه به مقررات نوزادکشی در انگلستان می‌توان چند نکته را استخراج کرد:

۱. نخستین نکته تفاوتی است که میان نوزادکشی و قتل وجود دارد. قتل عبارت است از کشتن عمدی یک انسان زنده و نوزادکشی عبارت است از کشتن عمدی یک کودک زیر ۱۲ ماه. بنابراین، تفاوت برجسته این دو جرم در سن بزه‌دیده است.
۲. حداکثر کیفر این جرم حبس ابد است. کلارکسون در این زمینه معتقد است که فلسفه جرم‌انگاری نوزادکشی شبیه قتل غیر عمدی است؛ زیرا اختلال ذهنی-روانی مرتکبان نوزادکشی – که به طور معمول مادرانند – آنان را در قبال رفتارشان کم‌تر سزاوار سرزنش می‌سازد و در نتیجه، چنین مادرانی سزاوار کیفر خفیف‌تری هستند که در عمل، عبارت است از تعلیق مراقبتی [۷، ص ۶۶].
۳. در حقوق انگلیس، استناد به نوزادکشی یکی از چهار دفاعی است که می‌تواند اتهام قتل را از عمدی به غیرعمدی کاهش دهد [۱۹، ص ۶۱]. همچنین استناد به نوزادکشی ممکن است با دفاع‌های جنون یا مسؤولیت نقصان‌یافته^۲ نیز ارتباط پیدا کند [۸، ص ۸۴]. در همین راستا، در این کشور از جمله پیشنهاد شده است که با لغو دفاع استناد به نوزادکشی، همه پدر-مادرانی که تعادل روانی ندارند، بتوانند در صورت قتل کودکان خود، به دفاع مسؤولیت نقصان‌یافته استناد کنند تا بدین وسیله معیار اختلال

۱. همچنان که کریستوفر کلارکسون – حقوقدان انگلیسی – می‌نویسد، در حقوق انگلستان چهار نوع قتل وجود دارد: قتل عمد، قتل غیر عمد، قتل ناشی از رانندگی با وسایل نقلیه و نوزادکشی [۷، ص ۴۷].

2. diminished responsibility

ذهنی‌روانی جایگزین متغیرهایی مانند سن (بزه‌دیده) و جنس (پدر-مادر) گردد [۷، ص ۶۷].

۴. اگر کسی در یک اتهام قتل عمدی، به کشتن نوزادی اقرار کند، باید دلایلی را در این مورد ارائه دهد و بار اثباتی بر دوش او است؛ ولی بار اثبات قتل عمدی در این مورد همچنان بر عهده مقام تعقیب است [۱۸، ص ۸۴].

۵. قانون نوزادکشی تنها برای گروه خاصی از افراد است: مادران و نوزادان زیر ۱۲ ماه. اگرچه قانون نوزادکشی بیماری روانی پدران را به رسمیت نشناخته است، اما به نظر می‌رسد که بیماری روانی هم در میان مردان مثل زنان وجود دارد. برای نمونه، هاروی و مک‌گرات^۱ در مطالعه خود دریافتند که ۴۰ درصد از پدران از جنون پس از زایمان همسرانشان رنج می‌برند [۲۰، ص ۷۲۷].

۵-۲. رویکرد حقوق فرانسه به نوزادکشی

تا نیمه نخست سده بیستم، کیفر نوزادکشی — که پیش‌تر یک جرم جنایی محسوب می‌شد — با تبدیل به یک جرم جنحه‌ای به حبس تأدیبی و جریمه تغییر کرده بود [۲۱، ص ۷۸]. ولی امروز، در حقوق فرانسه برای عاملان این قتل‌ها حبس ابد در نظر می‌گیرند. مطابق بند ۱ ماده ۴-۲۲۱ قانون مجازات فرانسه، چنانچه بزه‌دیده قتل عمدی یک کودک زیر پانزده سال باشد، کیفر آن، حبس جنایی عمومی ابد خواهد بود [۲۲، ص ۱۰۸]. ژان پرادل — حقوقدان فرانسوی در تفسیر این بند می‌گوید که جنایت نوزادکشی — که طبق قانون مجازات پیشین فرانسه مربوط به نوزادان زیر سه روز بود — دیگر به موجب قانون جدید وجود ندارد. به باور پرادل، نوزاد بودن بزه‌دیده مسأله‌ای را مطرح می‌کند که شبیه سقط جنین توسط خود زن است؛ زیرا جرم اخیر که در قانون پیشین مجازات فرانسه پیش‌بینی شده بود، در سال ۱۹۹۳ حذف شد و بنابراین، باید به‌دقت روشن کرد که آیا بزه‌دیده جنین بوده یا نوزاد [۲۳، ص ۵۶-۵۷].

1. Harvey & Mc Grath

با وجود این، امروز وضعیت ذهنی-روانی پیچیده زنان در هنگام ارتکاب این گونه قتل‌ها، می‌تواند موجبی برای کاهش میزان حبس آنان شود. ظهور پدیده نوزادکشی به‌ویژه از سوی مادران، در کنار کودک‌آزاری توسط مردان، جامعه فرانسه را با نگرانی‌هایی مواجه کرده است. براساس آماری که از سوی رسانه‌های فرانسوی ارائه شده است، در فاصله ژوئیه ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷، ۳۱ کودک از جمله ۱۷ نوزاد در فرانسه به قتل رسیده‌اند. در سال‌های اخیر، نوزادکشی در فرانسه برای فرار از داشتن کودک مرسوم شده است. برای نمونه، مادری که نوزاد خود را پس از به دنیا آوردن کشته و در زیرزمین خانه دفن کرده بود، به ۱۵ سال زندان محکوم شد. متهم دیگری به دلیل قتل سه فرزند خود مجرم شناخته شد. شوهر این فرد دو نوزاد خود را در فریزر خانه یافته بود. در دادگاه مشخص شد که متهم از بیماری انکار بارداری رنج می‌برده است [۲۴، ص ۱]. در نتیجه، می‌توان گفت که با وجود پیش‌بینی کیفر حبس ابد برای کودکان زیر پانزده سال — از جمله نوزادان — در حقوق فرانسه، دادگاه‌های این کشور اختلال‌های ذهنی‌روانی مرتکبان این گونه قتل‌ها — به‌ویژه مادران — را موجبی برای تخفیف میزان مسئولیت کیفری آنان تلقی می‌کنند.

۳-۵. رویکرد حقوق ایران به نوزادکشی

در حقوق ایران مقررات ویژه‌ای برای نوزادکشی پیش‌بینی نشده و همچنان که حقوقدانان ایرانی از گذشته گفته‌اند، قتل نوزادان — اعم از این که مرتکب، مادر یا شخص دیگری باشد — مشمول مقررات کلی قتل است [۲۱، ص ۷۷]. بدین ترتیب، امروزه حکم قتل نوزادان تابع حکم کلی قتل عمدی و مستوجب قصاص نفس است. در همین راستا، اگرچه بند «پ» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی جدید (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) برخلاف بند «ج» ماده ۲۰۶ قانون مجازات سابق (۱۳۷۰)، شاخص «کودکی» را جزء مصداق‌های «نوعاً گشوده بودن کار به اعتبار شخص بزه‌دیده» نیاورده است، ولی با توجه به تمثیلی بودن مصداق‌های مندرج در این بند، موارد قتل نوزادان را می‌توان با

بندهای سه‌گانه نخست ماده ۲۹۰ قانون ۱۳۹۲ سازگار دانست. همچنین تبصره ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حکم خاصی را درباره جنینی که زنده متولد شده باشد، پیش‌بینی کرده است. به موجب این تبصره، اگر جنینی زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامه حیات باشد و جنایت قبل از تولد منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او پس از تولد باقی بماند، قصاص ثابت است.^۱ افزون بر این موارد، در قلمرو تعزیرات نیز کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) - که هنوز اعتبار دارد - مقرراتی را در زمینه حمایت کیفری از نوزادان و خردسالان پیش‌بینی کرده است (مواد ۶۳۱، ۶۳۲ و ۶۳۳) که برخی از آن‌ها با پدیده نوزادکشی هم‌پوشی پیدا می‌کند. از جمله مطابق ماده ۶۳۳ چنانچه اقدام کسی که مبادرت به رها ساختن کودک در محلی خالی از سکنه کرده است، به فوت کودک بینجامد، مقررات شرعی (قصاص دیه یا ارش) به کیفر تعزیری مندرج در این ماده افزوده خواهد شد.

با وجود مقررات پیشگفته، پیش‌بینی قانون یا مقررات ویژه‌ای در زمینه جرم‌انگاری نوزادکشی در حقوق ایران ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا تردید نیست که موارد قتل نوزادان همانند سقط جنین ممکن است معلول علت‌های خاصی باشد که به‌ویژه با ساختار ذهنی-روانی مرتکبان آن پیوند می‌خورد. به سخن دیگر، همچنان که در برخی از کشورها گونه‌های مختلف قتل تابع مقررات ویژه جداگانه‌ای است که هر یک بر فلسفه خاصی مبتنی‌اند، قانونگذار ایران نیز می‌تواند جرم‌انگاری قتل کودکان و خردسالان را

۱. این مسأله که نوزادکشی ممکن است با سقط جنین هم‌پوشی پیدا کند، دیدگاه‌های مختلفی را میان حقوقدانان ایرانی ایجاد کرده است. بعضی از حقوقدانان با تأکید بر تمایز قتل از سقط جنین، استدلال می‌کنند که سلب حیات از جنین در مرحله‌ای که باشد، قتل نیست و عنوان سقط جنین دارد. بنابراین، اگر در جنین روح دمیده شده و زنده متولد شود، از همان لحظه انسان تلقی می‌شود و کشتن آن قتل است [۲۵، ص ۲۵]. بعضی دیگر نیز بر این عقیده‌اند که به رغم عدم ارائه تعریفی از «انسان زنده» در قانون، می‌توان گفت که از لحظه‌ای که علم پزشکی وجود نوزاد را مستقل از وجود مادر بداند، می‌توان او را بزه‌دیده جرم‌های علیه اشخاص قلمداد کرد [۶، ص ۶۰]. به نظر می‌رسد که این دیدگاه‌ها با منطق حقوقی و معیارهای علمی سازگار بوده، بنابراین، پذیرفتنی‌اند.

بر مبنای خاص آن استوار سازد. این جرم‌انگاری می‌تواند در قانون‌های خاصی همچون یک قانون حمایت از کودکان و نوجوانان انجام شود.^۱ البته در مقررات قتل مندرج در قانون مجازات اسلامی نیز می‌توان حکم‌هایی را به گونه‌های مختلف قتل نوزادان (مانند قتل‌های عمدی توأم با قصد قلبی یا ناشی از وضعیت نامتعادل دماغی - روانی) اختصاص داد. این جرم‌انگاری، چه در قالب قانون مجازات یا قانون خاص در هر صورت، ضروری به شمار می‌رود؛ زیرا از یک سو، بزهدیدگان این گونه قتل‌ها به دلیل آسیب‌پذیری، نیازمند بلکه شایسته حمایت‌های ویژه - از جمله حمایت کیفری - هستند و جرم‌انگاری نوزادکشی می‌تواند برای مرتکبانی که بخصوص با سوءاستفاده از موقعیت پدرمادرانه خود به قتل کودکان‌شان اقدام می‌کنند، از گذر پیش‌بینی کیفرهای سزادهنده (مانند حبس ابد یا قصاص) کارکرد بازدارنده یا تنبیهی داشته باشد. از سوی دیگر، پیش‌بینی مقررات ویژه‌ای برای نوزادکشی می‌تواند با واقعیت‌های علمی‌ای که با وضعیت ذهنی-روانی مرتکبان - به‌ویژه زنان باردار - پیوند می‌خورد، سازگار باشد. در این صورت، چنانچه مادری با سنگدلی و قساوت قلب یا با آگاهی و اراده آزاد اقدام به قتل نوزاد خود کند، می‌تواند مشمول حکم کلی قتل عمدی مستوجب قصاص قرار گیرد؛ ولی در مقابل، مادری که به دلیل دچار بودن به اختلال یا ناتوانی ذهنی-روانی ناشی از بارداری یا زایمان - که ممکن است به حد جنون نرسد - مرتکب قتل نوزادش می‌شود، می‌تواند از تخفیف کیفر یا ضمانت‌اجرای متناسب دیگری که به بازپروری او بینجامد، محکوم شود.^۲

۱. برای نمونه، به نظر می‌رسد که لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان که توسط قوه قضاییه تنظیم شده است، می‌تواند منبع مناسبی برای جرم‌انگاری ویژه نوزادکشی در حقوق ایران باشد. البته در متن کنونی این لایحه، ماده یا مقرره خاصی در این خصوص پیش‌بینی نشده است و بازهم حکم قتل نوزادان را باید با ماده‌ها یا مقرره‌های کلی آن (مانند بی‌توجهی یا سهل‌انگاری و سوء رفتار نسبت به کودک) انطباق داد.

۲. گفتنی است که برخی از حقوقدانان ما از گذشته، با توجه به ویژگی قتل‌های معمول کودکان و خردسالان، پیش‌بینی مقررات خاصی برای آن که از جمله تخفیف در کیفر مرتکبان در شرایط خاص ذهنی-روانی را نیز در برداشته باشد، پیشنهاد داده بودند. برای نمونه بنگرید به: [۲۱، ص ۸۰].

۶. نتیجه‌گیری

نوزادکشی پدیده‌ای است که از گذشته در جوامع مختلف وجود داشته است. برای ما مسلمانان، نوزادکشی به‌ویژه یادآور رسم جاهلی زنده به گور کردن دختران در عربستان پیش از اسلام است. حقوقدانان به‌طور معمول نوزاد را به معنای کودک زیر ۱۲ ماه دانسته‌اند و این موضوع در قوانین کشورهای مختلف تبلور یافته است. بدین‌سان، نوزاد که فردی است فاقد هرگونه ساز و کار دفاعی در برابر خطرهایی که او را تهدید می‌کند، به دلیل همین ناتوانی و آسیب‌پذیری، شایسته حمایت‌های ویژه - از جمله حمایت‌های قانونی - است. افزون بر این معیارهای بزه‌دیده‌شناسانه که در راستای حمایت کیفری از نوزادان ضرورت می‌یابد، شناخت علت‌های مختلف رخداد نوزادکشی - از نظرگاهی جرم‌شناسانه - می‌تواند در پیشگیری از شکل‌های گوناگون این پدیده نقش داشته باشد. این علت‌شناسی‌ها می‌توانند با اصلاحات حقوقی-قانونی ارتباط پیدا کنند (مانند پیشنهاد لغو ممنوعیت سقط جنین در کشورهایی که آن را جرم‌انگاری کرده‌اند) یا می‌توانند با مطالعات و یافته‌های علمی- پزشکی پیوند بخورند (مانند مطالعه درباره تأثیر بارداری بر وضعیت روانی زنان یا شناسایی عوامل خطر همچون افسردگی و اضطراب زنان باردار).

افزون بر جنبه‌های جرم‌شناسانه-بزه‌دیده‌شناسانه، از نظرگاه حقوقی-قانونی، همچنان که گفته شد، در برخی از کشورها (چون انگلستان) مقررات خاصی برای نوزادکشی در نظر گرفته شده است. وانگهی، با توجه به وجود ملاک‌های بین‌المللی درباره حقوق کودک و اهمیت مسأله کرامت ذاتی همه انسان‌ها (در هر سن و موقعیتی)، پیش‌بینی و تصویب مقررات ویژه‌ای برای حمایت از نوزادان ضروری به نظر می‌رسد. در این میان، با توجه به تصویب چهار کتاب نخست قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ضرورت اصلاح و بازبینی کتاب پنجم این قانون، می‌توان تصویب فصل ویژه جرم‌های علیه کودکان و نوجوانان - از جمله، جرم‌انگاری رفتارهایی چون نوزادکشی - را به قانونگذار پیشنهاد کرد. بنابراین، مقررات کیفری ناظر بر کودکان و نوجوانان می‌تواند

بر پایه شرایط سنی این بزه‌دیدگان درجه‌بندی شود و ضمن حمایت کیفری از کودکان و نوزادانی که قربانی بدرفتاری‌های عمدی مرتکبانی چون پدرمادرشان می‌شوند، می‌توان مقرراتی برای تخفیف در میزان مسؤولیت کیفری مادرانی که به دلیل فشارهای روانی ناشی از دوران بارداری یا زایمان دست به ارتکاب چنین قتل‌هایی می‌زنند، پیش‌بینی کرد. فراتر از این، در راستای پیشگیری از جرم‌هایی مانند کودک‌آزاری و نوزادکشی، تصویب قانون خاص و جامعی برای کنترل این پدیده‌های مجرمانه، که علاوه بر جرم‌انگاری این گونه رفتارها، تدابیر پیشگیرنده اجتماعی را در برداشته باشد، نیز مطلوب به نظر می‌رسد.^۱

۷. منابع

- [۱] نفیسی، علی اکبر، ناظم الاطبا، فرهنگ نفیسی، کتابفروشی خیام، ۲۵۳۵.
- [۲] انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، دوره ۸ جلدی، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
- [3] Garner, Bryan A.; *Black's Law Dictionary*, WEST, A Thomson Reuters business, 2009.
- [4] Craig, Michael, "Perinatal risk factors for neonaticide and infant homicide: can we identify those at risk", *Journal of the royal society of medicine*, volume 9, 57-61, 2004
- [5] Gray, E., Meeghan, Biol; *An infanticide attempt by a free-roaming feral stallion* (*Equus caballus*), *Lett.* 5, 23-25, 2009
- [۶] میرمحمدصادقی، حسین، *حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص تهران*،

۱. شایان گفتن است که به رغم تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در آذر ۱۳۸۱ و جرم‌انگاری کودک‌آزاری در این قانون، هنوز مقررات جامع و کارآمدی برای کنترل و پیشگیری از این پدیده، که حمایت از نوزادان را نیز پوشش دهد، وجود ندارد. وانگهی، از آن‌جا که در صورت تصویب لایحه کودکان و نوجوانان، این قانون نسخ خواهد شد، از هم‌اکنون می‌توان جرم‌انگاری موردهای عمدی و غیرعمدی نوزادکشی را که پیش‌تر به آن اشاره شد، به قانونگذار پیشنهاد کرد.



- [۷] _____ [مترجم]، حقوق جزای اختصاصی انگلستان و نقش حقوق جزا در جامعه، تهران، جنگل، ۱۳۹۱.
- [8] Milner, Larry S.; *Hardness of Heart/Hardness of Life the stain of human infanticide*, Lanham, New York, Oxford, university press of America, 1998.
- [۹] مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۶، چ ۲۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
- [۱۰] _____، تفسیر نمونه، ج ۶، چ ۲۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
- [11] Anagol, padma, "the emergence of the female criminal in india: infanticide and survival under the raj", *history workshop journal*, issue 53, 73-93, 2002.
- [12] Lester, David; "Regional variation in homicide rates of infants and children", *Injury Prevention*; 2: 121-123, 1996.
- [13] Graham- Kevan, Nicola & John Archer, "Violence during Pregnancy: Investigating Infanticidal Motives", *J Fam Viol*, 26:453-458, 2011.
- [14] Veiga , Jose´ P., "Replacement female house regularly commit infanticide", at *ministry of Science & Tech* ,Vol 15, No 2, 219-222, 2012.
- [15] Fujiwara, Takeo, et. al.; "Characteristics of Infant Homicides: Findings From a U.S. Multisite Reporting System", *PEDIATRICS*, Volume 124, Number 2, 210-217, 2009.
- [16] Jaffe, G, Peter, et. al., "Children in danger of domestic homicide, child abuse and neglect", 36, 71-74, 2012.
- [17] Stanton j, A. Simpson; *Murder misdiagnosed as SIDS: a perpetrator's perspective*, *Arch Dis Child*, Faculty of Medicine and Health Service, University of Auckland, Private Bag 92-019, Auckland, New Zealand J

Stanton A Simpson, 454-459, 2001.

[۱۸] میرمحمدصادقی، حسین [مترجم]؛ *مروری بر حقوق جزای انگلستان*، تهران: نشر حقوقدان، ۱۳۷۵-۷۶.

[19] *Criminal Law*; Routledge Cavendish Lawcards Series, 2006.

[20] McCarthy B., "Lassages A, Brewin CR. Needs for care among the relatives of long term users of daycare", *Psychol Med*; 69:725-36, 1989.

[۲۱] پاد، ابراهیم، *حقوق کیفری اختصاصی*، ج ۱، جرائم بر ضد اشخاص (صدمات بدنی و صدمات معنوی)، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.

[۲۲] گودرزی، محمدرضا و مقدادی، لیلا [مترجمان]؛ *قانون مجازات فرانسه*، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، مرکز مطالعات توسعه قضایی، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۶.

[۲۳] پرادل، ژان، *حقوق کیفری تطبیقی*، ج ۱، جرائم علیه اشخاص (آسیب‌های جسمی)، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۶.

[24] *Infanticide*; The Journal. ie. Read. Share and Shape the News, at: www.thejournal.ie/infanticide/news, 29 July 2010 (22, January 2014).

[۲۵] آقایی‌نیا، حسین؛ *حقوق کیفری اختصاصی*، جرائم علیه اشخاص (جنایات)، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۶.